

بررسی رابطه کاربست اصول تعلیم و تربیت اسلامی در کلاس درس با هوش معنوی دانشجویان

سمیه اکبری *

امید مهنی **

حسین مطهری نژاد ***

دریافت مقاله: ۹۳/۳/۱۷

پذیرش نهایی: ۹۳/۹/۳

چکیده

هدف کلی این پژوهش بررسی رابطه کاربست اصول تعلیم و تربیت اسلامی در کلاس درس با هوش معنوی دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان است. روش پژوهش توصیفی - پیمایشی، و از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش را تمام دانشجویان دانشکده ادبیات دانشگاه شهید باهنر کرمان تشکیل داده است. برای انتخاب نمونه آماری پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شد و ۲۳۰ نفر از بین جامعه آماری به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش از پرسشنامه محقق ساخته کاربست اصول تعلیم و تربیت اسلامی در کلاس درس و هم‌چنین پرسشنامه استاندارد هوش معنوی کینگ (۲۰۰۸) استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که هوش معنوی با اصل عدل، اصل آراستگی، اصل اصلاح شرایط، اصل مسئولیت، اصل تذکر، اصل مسامحت و اصل ابراز محبت رابطه مثبت و معنی داری دارد اما با اصل عزت رابطه معنا داری ندارد. هم‌چنین برای آزمون رابطه کاربست اصول تعلیم و تربیت با هوش معنوی دانشجویان از تحلیل رگرسیون همزمان استفاده شد که الگوی معناداری به دست آمد. نتایج بررسی فرضیه فرعی اول نشان داد که تفکر انتقادی وجودی با اصل عدل و آراستگی و اصلاح شرایط و مسئولیت و تذکر و مسامحت و محبت رابطه معنی داری دارد و تنها با اصل عزت رابطه معنا داری ندارد.

کلید واژه‌ها: اصول تعلیم و تربیت اسلامی و هوش معنوی، دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان و بهره‌گیری از هوش معنوی.

* نویسنده مسئول: کارشناس ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه شهید باهنر کرمان

somayeakbari66@gmail.com

o.mehni@hotmail.com

hmotahhari@yahoo.com

** مدرس گروه تربیتی دانشگاه پیام نور مرکز کهنوج

*** استادیار بخش علوم تربیتی دانشگاه شهید باهنر کرمان

مقدمه

در دهه‌های اخیر، مفهوم معنویت و کاربردهای آن در دنیا و بویژه در دنیای غرب اهمیت زیادی یافته است، به گونه‌ای که مفاهیمی همچون خدا، مذهب، معنویت، که موضوعاتی خصوصی قلمداد می‌شد، وارد پژوهش‌های علمی و مباحث علمی در حوزه علوم انسانی شده است. یکی از مفاهیمی که بتدریج از درون همین جلسات و کنفرانسها ظهور کرده، هوش معنوی است (فرهنگی و همکاران، ۱۳۸۸). شکل‌گیری هوش معنوی را باید بعد از تکامل هوش عاطفی دنبال کرد. استفاده از هوش عاطفی در کسب و کار جهانی توسط گلمن^۱ (۱۹۹۵) در کتابی با همین عنوان گسترش یافت و به کار گرفته، و پس از آن هوش معنوی مطرح شد (زارعی متین و همکاران، ۱۳۹۰). مک شری و همکاران^۲ (۲۰۰۲) نیز درباره اهمیت و تأثیر این مفهوم در زندگی انسان بیان می‌کنند که هوش معنوی شکل واقعی زندگی شخص را قالب‌بندی می‌کند. انسان با این هوش دچار تشویش نمی‌شود و در دو راهیهای معنوی، می‌تواند راه درست و پرچمدار راه درست را پیدا کند و نور واقعی را از بین نورهای ضعیف و قوی بیابد که انسان را به بیراهه می‌برد و به سرانجام مقصود برسد. سیسک و تورنس^۳ (۲۰۰۱) ریشه هوش معنوی را نوشته‌های باستان و عرفان شرق می‌دانند. آنها به تأثیر صوفیها، اسلام، بودا و تائوئیسم اشاره کرده‌اند (ساغرونی، ۱۳۸۹).

هوش معنوی پارادیمی نوین است که بعد از هوشهای چندگانه گاردنر^۴ ظهور یافت (کریستون^۵، ۲۰۰۸). دانا زوهر^۶ اولین کسی است که مفهوم هوش معنوی را مطرح کرد (ایمانی راد و حقیق، ۱۳۹۰). وهان^۷ (۲۰۰۲) معتقد است که هوش معنوی، یکی از انواع هوشهای چندگانه است که به طور مستقل می‌تواند رشد و توسعه یابد. در واقع اگر بهره هوشی بر تفکر خطی مغز مبتنی، و مناسب حل مسائل ریاضی است و هم‌چنین اگر هوش عاطفی بر تفکر تعاملی مغز مبتنی است و به افراد کمک می‌کند تا عواطف و احساسات خود را مدیریت کنند، هوش معنوی تفکر وحدت بخش مغز است (زوهر و مارشال^۸، ۲۰۰۰).

- 1 - Goleman
- 2 - Mcsherry et al
- 3 - Sisk & Torrance
- 4 - Gardner
- 5 - Crichton
- 6 - Danah Zohar
- 7 - Vaughan
- 8 - Zohar & Marshall

نظریات متعددی در باره هوش معنوی وجود دارد. یکی از پرکاربردترین نظریات در پژوهشهای مرتبط با هوش معنوی، نظریه هوش معنوی کینگ^۱ است. کینگ برای هوش معنوی چهار عامل پیشنهاد می کند:

۱ - تفکر انتقادی: اولین عامل هوش معنوی به تفکر انتقادی وجودی اشاره دارد. توانایی اندیشیدن به طور انتقادی به حقیقت وجود، هستی، عالم وجود، زمان، مرگ و دیگر موضوعات ماورای طبیعی یا وجودی تعریف می شود.

۲ - تولید معنای شخصی: دومین عامل هوش معنوی به تولید معنای شخصی اشاره دارد که به توانایی خلق معنا و هدف شخصی در تمام تجربه‌های جسمانی و روانی شامل ظرفیت خلق و تسلط یافتن به مقصود زندگی است.

۳ - آگاهی متعالی: سومین عامل هوش معنوی به ظرفیت شناخت و درک ابعاد برتر خود، دیگران و جهان مادی اشاره دارد.

۴ - توسعه سطح هوشیاری: آخرین عامل هوش معنوی به توانایی ورود به مراحل بالاتر هوشیاری از جمله هوشیاری خالص، آگاهی کیهانی، وحدت و یکتایی اشاره دارد (کینگ، ۲۰۰۸).

دانشجویان، نیروی انسانی برگزیده از نظر استعداد، خلاقیت و پشتکار و منابع معنوی هر جامعه و سازندگان فردای کشور خویش هستند. انتظار می‌رود این گروه در سایه سرمایه گذاریهای کلانی که از آموزش و پرورش تا دانشگاه صرف آنان می‌شود، بتوانند افرادی توانا، مفید و مؤثر برای کشور باشند. از آنجا که دانشجویان از اقشار مستعد، برگزیده جامعه و سازندگان فردای هر کشور هستند، وجود مشکلات احتمالی در زندگی روزمره آنان به اختلال در تکالیف درسی، کاهش انگیزه، اضطراب، ترس و نگرانی منجر و سبب می‌شود بخش قابل توجهی از نیروهای فکری خود را به جای صرف فعالیت در کارهای درسی و آموزشی در برخورد با چنین مشکلاتی هدر دهند (توکلی‌زاده و خدادادی، ۱۳۸۹). بنابراین توجه به عملکرد و سلامت آنان از اهمیت ویژه‌ای در یادگیری و افزایش آگاهی علمی برخوردار است. همان گونه که گفته شد از محورهای ارزیابی مهم در جوامع امروزی، هوش معنوی افراد جوامع است. در

1 - King

زمینه اهمیت هوش معنوی بر عملکرد افراد مطالعات اسمیت^۱ (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که هوش معنوی لازمه سازگاری بهتر با محیط است و افرادی که هوش معنوی بیشتری دارند، تحمل آنان در مقابل فشارهای زندگی بیشتر است و توانایی بهتری برای سازگاری با محیط از خود بروز می‌دهند (فرامرزی، ۱۳۸۸).

تربیت دانشجویان کارآمد و علاقه‌مند، گام مهم و اساسی در پیشبرد اهداف کشور به شمار می‌رود. در این زمینه باید اشاره کرد که شکوفا شدن استعدادها و به فعلیت رسیدن قوای آدمی و تحقق گوهر وجود او در گرو تعلیم و تربیت صحیح است (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۸: ۳۳۸). در قلمرو تربیت به کارگیری شیوه‌های مبتنی بر اصول و مبانی استوار از عوامل توفیق در چنین عرصه‌ای به شمار می‌رود. اصول تعلیم و تربیت مفاهیم، نظریه‌ها و قواعد نسبتاً کلی است که در بیشتر موارد صادق است و باید راهنمای مربیان، مدیران، اولیای فرهنگ و والدین دانش‌آموزان در تمام رفتار تربیتی باشد (شریعتمداری، ۱۳۸۶: ۱۳). اساساً امکان تربیت آدمی در گرو اصول شناخته شده است که آشنایی و رعایت آنها توسط مربیان، موفقیت نظام تربیتی را تضمین می‌کند؛ اصولی که راهنمای تمام فعالیت‌های مربیان قرار می‌گیرد؛ علم و هنر تربیت را مهیا می‌سازد و همه جوانب گوناگون رشد و تعالی انسانی را به هر سمت و سویی سوق می‌دهد (عبداللهی و همکاران، ۱۳۸۹).

تربیت به عنوان فرایندی که نتیجه آن صرفاً در مقام عمل روشن می‌شود، وجه‌ای کاملاً عملی و کاربردی دارد. به این دلیل هرگونه تلاش نظری در چارچوب مفهومی باید ناظر به فواید عملی باشد. در این میان نقش مبدل‌های نظری به عملی و انتقال دهنده‌ها روشن می‌شود. تبلور مفهوم مبدل در ماهیت اصل تربیتی به عنوان آخرین مرحله نظر و سرآغاز اولین مرحله عمل تربیتی، مهمترین نقشی است که ضرورت وجود اصول را در نظام تربیتی تبیین می‌کند (شکوهی، ۱۳۸۵؛ ۱۴۲). بنابراین، می‌توان فواید ذیل را برای اصل تربیتی ترسیم کرد:

الف) تأثیر در دستیابی به هدف تربیتی

ب) انعطاف در روشها

ج) محوریت اصول در ایجاد ارتباط منطقی بین عناصر نظام تربیتی

با توجه به حاکمیت روح کلی دین بر ابعاد مختلف و عناصر گوناگون نظام تربیت دینی، هر یک از عوامل یاد شده نیز باید به گونه‌ای رنگ دینی داشته باشد. اصل دین، که قانون حرکت و

1 - Smith

اعمال روشهای تربیت دینی است از این قاعده مستثنا نیست. بنابراین برای اکتشاف اصول تربیت دینی باید به چگونگی ارتباط آنها با خاستگاهشان یعنی دین توجه لازم کرد. بویژه در موضوع پرده‌های چون تعلیم و تربیت اسلامی اصول متفاوتی مطرح شده که در این میان از جمله اصول تربیت و مرتبط با کلاس درس، که در این پژوهش به کار برده شده، عبارت است از: عدل، آراستگی، فضل، اصلاح شرایط، مسئولیت، عزت، تذکر، مسامحت، ابراز یا منع محبت، سبقت (باقری، ۱۳۸۷).

با توجه به اهمیت و جایگاه دین در جوامع امروزی در سالهای اخیر پژوهشهای زیادی درباره دین و نقش آن در زندگی صورت گرفته و اقبال روز افزون نسبت به این موضوع در سطح دنیا نشاندهنده اهمیت دین در فرایندهای روزمره است (خداپناهی و خاکسار بلداجی، ۱۳۸۴). از طرفی با توجه به اینکه دانشجویان جایگاه مهم و کلیدی در جامعه دارند و هم‌چنین بر اساس آنچه درباره نقش اصول تعلیم و تربیت اسلامی گفته شد، این پژوهش به دنبال این است که آیا بین کاربری اصول تعلیم و تربیت اسلامی در کلاس درس و هوش معنوی دانشجویان دانشگاه شهید باهنر رابطه معناداری وجود دارد.

اهداف و فرضیات پژوهش

هدف اصلی پژوهش بررسی رابطه بین کاربری اصول تعلیم و تربیت اسلامی در کلاس درس و هوش معنوی دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان است. در این راستا فرضیه‌های ذیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

- ۱- بین کاربری اصول تعلیم و تربیت اسلامی در کلاس درس با هوش معنوی دانشجویان رابطه هست.
- ۲- بین کاربری اصول تعلیم و تربیت اسلامی با تفکر انتقادی وجودی رابطه معناداری هست.
- ۳- بین کاربری اصول تعلیم و تربیت اسلامی با تولید معنای شخصی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۴- بین کاربری اصول تعلیم و تربیت با آگاهی متعالی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۵- بین کاربری اصول تعلیم و تربیت با تولید سطح هوشیاری رابطه معناداری هست.

۶ - بین کاربرت اصول تعلیم و تربیت اسلامی و هوش معنوی با پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش، توصیفی - پیمایشی، و از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل تمام دانشجویان دختر و پسر دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ هستند. با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی طبقه‌ای، ۲۳۰ دانشجو انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش شامل دو پرسشنامه بود: پرسشنامه اول پرسشنامه‌ای محقق ساخته بود که برای سنجش اصول تعلیم و تربیت اسلامی در کلاس درس طراحی شد. این پرسشنامه ۲۶ گویه داشت که بر اساس مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت تنظیم شد. به منظور تأیید روایی از شیوه روایی محتوایی استفاده، و پرسشنامه در اختیار پنج نفر از استادان فلسفه تعلیم و تربیت قرار داده شد که سرانجام با اصلاحاتی روایی پرسشنامه مورد تأیید متخصصان امر قرار گرفت. پرسشنامه دوم پرسشنامه هوش معنوی کینگ (۲۰۰۸) بود. این پرسشنامه ۲۴ گویه دارد و به صورت ۵ گزینه‌ای لیکرت است. در پژوهش معلمی و همکاران (۱۳۸۹) برای تعیین پایایی پرسشنامه‌ها از روش آلفا کرونباخ استفاده شد که پایایی پرسشنامه‌های کاربرت اصول تعلیم و تربیت و هوش معنوی به ترتیب ۰/۷۷ و ۰/۸۲ محاسبه شد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش به ترتیب فرضیات پژوهش، به گزارش یافته‌ها پرداخته می‌شود. برای تحلیل بهتر نتایج ابتدا شاخصهای توصیفی، و سپس نتایج آزمونهای پژوهش بررسی خواهد شد.

جدول ۱ - شاخصهای توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	ابعاد	میانگین	میانه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
اصول تعلیم و تربیت اسلامی	عدل	۲/۳۰	۲/۳۳	۰/۹۳	-۰/۳۸	-۰/۵۶
	آراستگی	۲/۱۹	۲/۱۶	۰/۸۴	-۰/۲۵	-۰/۵۹
	اصلاح شرایط	۲/۲۴	۲/۳۳	۰/۹۷	-۰/۶۶	-۰/۶۶
	مسئولیت	۲/۲۲	۲/۳۳	۰/۹۷	۰/۲۹	-۰/۷۹
	عزت	۲/۱۲	۲/۰۰	۱/۱۳	-۰/۱۵	-۰/۹۴
	تذکر	۲/۲۵	۲/۳۳	۰/۹۵	۰/۵۱	۲/۷۹
	مسامحت	۲/۲۵	۲/۵۰	۱/..	-۰/۰۴	۰/۹۶
	ابراز محبت	۲/۲۵	۲/۳۳	۰/۸۹	۰/۰۵	-۰/۷۱
هوش معنوی	تفکر انتقادی	۲/۴۸۸	۲/۵۷۱	۰/۵۹۱	-۰/۵۰۳	۰/۰۳۱
	تولید معنای شخصی	۲/۵۰۶	۲/۶۰۰	۰/۵۸۶	۰/۳۴۰	-۰/۶۳
	آگاهی متعالی	۳/۰۶۳	۳/۰۰	۰/۴۷۰	-۰/۲۱۴	۰/۱۱۷
	سطح هوشیاری	۲/۵۱۴	۲/۵۰۰	۰/۶۸۹	۰/۴۶۳	۰/۰۱۵

فرضیه اول: بین کاربست اصول تعلیم و تربیت اسلامی در کلاس درس با هوش معنوی دانشجویان رابطه هست.

جدول ۲ - ضرایب همبستگی بین کاربست اصول تعلیم و تربیت اسلامی در کلاس درس با هوش معنوی

اصول تعلیم و تربیت اسلامی								متغیرها
ابراز محبت	مسامحت	تذکر	عزت	مسئولیت	اصلاح شرایط	آراستگی	عدل	هوش
۰/۲۲۳	۰/۲۶۵	۰/۳۲۵	۰/۱۰۰	۰/۱۸۸	۰/۲۱۷	۰/۲۶۳	۰/۲۱۱	معنوی

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد هوش معنوی با اصول عدل، آراستگی، اصلاح شرایط، اصل مسئولیت، اصل تذکر، اصل مسامحت و اصل ابراز محبت رابطه مثبت و معنی داری دارد اما با اصل عزت رابطه معناداری ندارد. برای آزمون رابطه کاربست اصول تعلیم و تربیت اسلامی با هوش معنوی دانشجویان از تحلیل رگرسیون همزمان استفاده شد که الگوی معناداری به دست آمد.

جدول ۳ - پیش بینی کاربرد اصول تعلیم و تربیت اسلامی با هوش معنوی

p	t	ضرایب استاندارد نشده		متغیرها	
		ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده		
		بتا (β)	SE	B	
۰/۰۰۱	۱۸/۹۶		۰/۳۷۶	۷/۱۳۷	مقدار ثابت
۰/۵۴۴	۰/۶۰۷	۰/۰۳۷	۰/۱۲۴	۰/۰۵۷	اصل عدل
۰/۱۵۲	۱/۴۳۶	۰/۱۰۱	۰/۱۵۸	۰/۲۲۷	آراستگی
۰/۸۲۸	۰/۲۱۸	۰/۰۱۴	۰/۱۲۸	۰/۰۲۸	اصلاح شرایط
۰/۳۰۲	۱/۰۳۵	۰/۰۷۴	۰/۱۳۹	۰/۱۴۴	مسئولیت
۰/۱۱۰	-۱/۶۰۱	-۰/۱۰۸	۰/۱۱۴	-۰/۱۸۲	عزت
۰/۰۰۱	۳/۲۶۶	۰/۱۹۲	۰/۱۱۸	۰/۳۸۶	تذکر
۰/۱۲۳	۱/۵۴۷	۰/۰۸۳	۰/۱۰۱	۰/۱۵۷	مسامحت
۰/۰۰۰۱	۰/۶۳۰	۰/۳۰۱	۰/۱۱۵	۰/۶۴۷	ابراز محبت

فرضیه دوم: بین کاربرد اصول تعلیم و تربیت اسلامی با تفکر انتقادی وجودی رابطه هست.

جدول ۴ - ضرایب همبستگی بین کاربرد اصول تعلیم و تربیت اسلامی با تفکر انتقادی

اصول تعلیم و تربیت اسلامی								متغیرها
ابراز محبت	مسامحت	تذکر	عزت	مسئولیت	اصلاح شرایط	آراستگی	عدل	تفکر
۰/۳۹۷	۰/۲۴۲	۰/۳۱۴	۰/۰۶۶	۰/۱۸۱	۰/۱۷۰	۰/۲۰۵	۰/۱۴۱	انتقادی

با توجه به جدول ۴، تفکر انتقادی وجودی با همه اصول تعلیم و تربیت اسلامی رابطه معناداری دارد و تنها با اصل عزت رابطه معنا داری ندارد. برای آزمون رابطه کاربرد اصول تعلیم و تربیت اسلامی با تفکر انتقادی وجودی دانشجویان از تحلیل رگرسیون همزمان استفاده شد که الگوی معناداری به دست آمد. نتایج نشان می دهد که اصل تذکر و ابراز محبت پیش بینی کننده معناداری برای تفکر انتقادی وجودی است.

جدول ۵ - پیش بینی تفکر انتقادی بر اساس کاربرد اصول تعلیم و تربیت اسلامی

p	t	ضرایب استاندارد نشده		الگو	
		ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده		
		بتا (β)	SE	B	
۰/۰۰۱	۱۳/۱۱۶		۰/۱۱۸	۱/۵۴۴	مقدار ثابت
۰/۷۹۰	-۰/۲۶۷	-۰/۰۱۶	۰/۰۳۹	-۰/۰۱۰	اصل عدل
۰/۲۷۲	۱/۱۰۱	۰/۰۷۸	۰/۰۵۰	۰/۰۵۵	آراستگی
۰/۸۱۴	-۰/۲۳۵	-۰/۰۱۶	۰/۰۴۰	-۰/۰۰۹	اصلاح شرایط
۰/۰۶۵	۱/۸۵	۰/۱۳۳	۰/۰۴۳	۰/۰۸۱	مسئولیت
۰/۰۱۹	-۲/۳۴۹	-۰/۱۶۱	۰/۰۳۶	-۰/۰۸۴	عزت
۰/۰۰۱	۳/۵۹۷	۰/۲۱۵	۰/۰۳۷	۰/۱۳۳	تذکر
۰/۲۳۹	۱/۱۷۹	۰/۰۶۴	۰/۰۳۲	۰/۰۳۷	مسامحت
۰/۰۰۱	۵/۶۵۰	۰/۳۰۶	۰/۰۳۶	۰/۲۰۳	ابراز محبت

فرضیه سوم: بین کاربرد اصول تعلیم و تربیت اسلامی با تولید معنای شخصی رابطه وجود دارد.

جدول ۶ - ضرایب همبستگی بین کاربرد اصول تعلیم و تربیت اسلامی با تولید معنای شخصی

اصول تعلیم و تربیت اسلامی							متغیرها
ابراز محبت	مسامحت	تذکر	عزت	مسئولیت	اصلاح شرایط	آراستگی	عدل
۰/۳۴۶	۰/۲۲۶	۰/۳۵۰	۰/۱۴۰	۰/۱۹۲	۰/۲۰۲	۰/۲۶۳	۰/۲۰۲

باتوجه به جدول مشاهده می شود که تولید معنای شخصی با تمام اصول تعلیم و تربیت اسلامی رابطه معناداری دارد. برای آزمون رابطه کاربرد اصول تعلیم و تربیت اسلامی با تولید معنای شخصی دانشجویان از تحلیل رگرسیون همزمان استفاده شد که الگوی معناداری به دست آمد. در جدول شماره ۷ نتایج رگرسیون نشان می دهد که اصل تذکر و ابراز محبت پیش بینی کننده معناداری برای تولید معنای شخصی است.

جدول ۷ - پیش بینی تولید معنای شخصی با استفاده از کاربرست اصول تعلیم و تربیت اسلامی

p	t	ضرایب استاندارد نشده		الگو	
		ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده		
		بتا (β)	SE	B	
۰/۰۰۱	۱۲/۹۸۸		۰/۱۱۸	۱/۵۳۱	مقدار ثابت
۰/۵۷۵	۰/۵۶۱	۰/۰۳۵	۰/۰۳۹	۰/۰۲۲	اصل عدل
۰/۱۴۱	۱/۴۷۶	۰/۱۰۶	۰/۰۵۰	۰/۰۷۳	آراستگی
۰/۹۶۴	-۰/۰۴۵	-۰/۰۰۳	۰/۰۴۰	-۰/۰۰۲	اصلاح شرایط
۰/۵۴۸	۰/۶۰۲	۰/۰۴۴	۰/۰۴۴	۰/۰۲۶	مسئولیت
۰/۴۱۰	-۰/۸۲۴	-۰/۰۵۷	۰/۰۳۶	-۰/۰۲۹	عزت
۰/۰۰۱	۳/۸۷۶	۰/۲۳۴	۰/۰۳۷	۰/۱۴۳	تذکر
۰/۳۱۴	۱/۰۰۹	۰/۰۵۵	۰/۰۳۲	۰/۰۳۲	مسامحت
۰/۰۰۱	۴/۳۹۵	۰/۲۴۱	۰/۰۳۶	۰/۱۵۸	ابراز محبت

فرضیه چهارم: بین کاربرست اصول تعلیم و تربیت اسلامی با آگاهی متعالی رابطه هست.

جدول ۸ - ضرایب همبستگی بین کاربرست اصول تعلیم و تربیت اسلامی با آگاهی متعالی

اصول تعلیم و تربیت اسلامی								متغیرها
ابراز محبت	مسامحت	تذکر	عزت	مسئولیت	اصلاح شرایط	آراستگی	عدل	آگاهی متعالی
۰/۳۸۳	۰/۳۱۵	۰/۱۹۹	۰/۰۶۹	۰/۱۴۷	۰/۲۳۱	۰/۲۴۱	۰/۱۷۹	

با توجه به جدول مشاهده می شود که بین آگاهی متعالی با تمام اصول تعلیم و تربیت اسلامی رابطه معناداری هست (به جز اصل عزت). نتایج ضرایب رگرسیون نتایج نشان می دهد که اصل مسامحت و ابراز محبت پیش بینی کننده معناداری برای آگاهی متعالی است.

جدول ۹ - پیش بینی آگاهی متعالی با استفاده از کاربست اصول تعلیم و تربیت اسلامی

p	t	ضرایب استاندارد نشده		الگو
		ضرایب استاندارد شده	بتا (β)	
۰/۰۰۰	۲۴/۱۹۴			مقدار ثابت
۰/۹۸۸	۰/۰۱۶	۰/۰۰۱	۰/۰۳۱	اصل عدل
۰/۱۰۵	۱/۶۲۷	۰/۱۱۷	۰/۰۴۰	آراستگی
۰/۲۳۱	۱/۲۰۰	۰/۰۸۰	۰/۰۳۲	اصلاح شرایط
۰/۶۲۳	۰/۴۹۳	۰/۰۳۶	۰/۰۳۵	مسئولیت
۰/۳۷۲	-۰/۸۹۴	-۰/۰۶۲	۰/۰۲۹	عزت
۰/۷۳۸	۰/۳۳۴	۰/۰۲۰	۰/۰۳۰	تذکر
۰/۰۰۰	۳/۲۲۰	۰/۱۷۵	۰/۰۲۵	مسامحت
۰/۰۰۱	۵/۱۷۲	۰/۲۸۳	۰/۰۲۹	ابراز

فرضیه پنجم: بین کاربست اصول تعلیم و تربیت اسلامی با تولید سطح هوشیاری رابطه وجود دارد.

جدول ۱۰ - رابطه کاربست اصول تعلیم و تربیت اسلامی با تولید سطح هوشیاری

اصول تعلیم و تربیت اسلامی								متغیرها
ابراز محبت	مسامحت	تذکر	عزت	مسئولیت	اصلاح شرایط	آراستگی	عدل	سطح هوشیاری
۰/۲۳۹	۰/۱۲۱	۰/۱۹۹	۰/۰۵۵	۰/۱۰۳	۰/۱۲۸	۰/۱۶۶	۰/۱۷۱	

نتایج جدول نشان می دهد تولید سطح هوشیاری با اصل عدل، اصل آراستگی، اصل اصلاح شرایط، اصل تذکر، اصل مسامحت و اصل ابراز محبت رابطه مثبت و معنی داری دارد؛ اما با اصل مسئولیت و اصل عزت رابطه معناداری ندارد. برای آزمون رابطه کاربست اصول تعلیم و تربیت اسلامی با تولید سطح هوشیاری دانشجویان از تحلیل رگرسیون همزمان استفاده شد که الگوی معناداری به دست آمد. نتایج نشان می دهد که اصل تذکر و ابراز محبت پیش بینی کننده معناداری برای تولید سطح هوشیاری است.

جدول ۱۱ - پیش بینی تولید سطح هوشیاری با کاربری اصول تعلیم و تربیت اسلامی

p	t	ضرایب استاندارد نشده		الگو	
		ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده		
		بتا (β)	SE	B	
۰/۰۰۱	۱۱/۹۴۱		۰/۱۴۹	۱/۷۷۶	مقدار ثابت
۰/۱۹۷	۱/۲۹۲	۰/۰۸۶	۰/۰۴۹	۰/۰۶۳	اصل عدل
۰/۵۷۷	۰/۵۵۸	۰/۰۴۳	۰/۰۶۳	۰/۰۳۵	آراستگی
۰/۹۹۱	۰/۰۱۱	۰/۰۰۱	۰/۰۵۱	۰/۰۰۱	اصلاح شرایط
۰/۷۱۷	۰/۳۶۳	۰/۰۲۸	۰/۰۵۵	۰/۰۲۰	مسئولیت
۰/۳۳۳	-۰/۹۷۰	-۰/۰۷۲	۰/۰۴۵	-۰/۰۴۴	عزت
۰/۰۳۴	۰۲/۱۳۱	۰/۱۳۸	۰/۰۴۷	۰/۱۰۰	تذکر
۰/۸۹۱	۰/۱۳۷	۰/۰۰۸	۰/۰۴۰	۰/۰۰۵	مسامحت
۰/۰۰۳	۳/۰۰۱	۰/۱۷۶	۰/۰۴۵	۰/۱۳۶	ابراز محبت

فرضیه ششم: بین کاربری اصول تعلیم و تربیت اسلامی و هوش معنوی با پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد.

جدول ۱۲ - کاربری اصول تعلیم و تربیت اسلامی با هوش معنوی

متغیرها	کاربری اصول تعلیم و تربیت اسلامی	هوش معنوی
پیشرفت تحصیلی	۰/۲۰	۰/۱۵۵

نتایج نشان می دهد پیشرفت تحصیلی با کاربری اصول تعلیم و تربیت رابطه مثبت و معنی داری دارد؛ اما با هوش معنوی رابطه معنا داری ندارد. برای آزمون کاربری اصول تعلیم و تربیت اسلامی و هوش معنوی با پیشرفت تحصیلی از تحلیل رگرسیون همزمان استفاده شد که الگوی معناداری به دست آمد. هم چنین نتایج نشان داد که تدوین کاربری اصول تعلیم و تربیت و هوش معنوی در کلاس درس ۴/۸ درصد از واریانس پیشرفت تحصیلی را تبیین می کند. نتایج رگرسیون و آماره t نشان می دهد که هوش معنوی نتوانست به طور معنا داری پیشرفت تحصیلی را پیش بینی کند؛ اما اصول تعلیم و تربیت قادر به پیش بینی پیشرفت تحصیلی است.

جدول ۱۳ - پیش بینی پیشرفت تحصیلی بر اساس کاربست اصول تعلیم و تربیت اسلامی و هوش معنوی

<i>p</i>	<i>t</i>	ضرایب استاندارد نشده		الگو	
		ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده		
		بتا (β)	<i>SE</i>	<i>B</i>	
۰/۰۰۰۱	۲۲/۴۳۳		۰/۵۷۰	۱۲/۷۹۰	مقدار ثابت
۰/۱۲۱	۱/۵۵۳	۰/۰۹۱	۰/۰۵۵	۰/۰۸۵	هوش معنوی
۰/۰۰۱	۲/۸۵۶	۰/۱۶۷	۰/۰۲۲	۰/۰۶۳	اصول تعلیم و تربیت

بحث و نتیجه گیری

هدف کلی این پژوهش بررسی رابطه کاربست اصول تعلیم و تربیت اسلامی در کلاس درس با هوش معنوی دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان است. نتایج فرضیه اول پژوهش نشان داد که هوش معنوی با اصل عدل، اصل آراستگی، اصل اصلاح شرایط، اصل مسئولیت، اصل تذکر، اصل مسامحت و اصل ابراز محبت رابطه مثبت و معنی داری دارد؛ اما با اصل عزت رابطه معنا داری ندارد. نتیجه این پژوهش بیانگر رابطه کاربست اصول تعلیم و تربیت اسلامی با هوش معنوی است. با توجه به این نکته که منبع کشف اصول تعلیم و تربیت اسلامی همان تصریحات متون دینی است از این رو اصولی که از دین گرفته شده باشد، موجب رشد بعد معنوی افراد خواهد شد؛ چرا که از جمله نکات قابل توجه هوش معنوی، توان رشد این هوش با استفاده از روشها، منابع و کارگاه‌های مورد نظر است. نتایج بررسی فرضیه دوم نشان داد که تفکر انتقادی وجودی با اصول تعلیم و تربیت اسلامی رابطه معنی داری دارد و تنها با اصل عزت رابطه معنا داری ندارد. نکته قابل برداشت از این فرضیه نیز این خواهد بود که کاربست اصول تعلیم و تربیت اسلامی موجب رشد تفکر انتقادی خواهد شد. تفکر نقادانه تفکری است که در جستجوی شواهد، دلایل و مدارک برای قضاوت و نتیجه گیری است و یا برای دستیابی به چنین قضاوت و نتیجه گیری خواستار دلیل، شواهد و مدارکی است. نکته مهم در تعلیم و تربیت اسلامی تفکر انتقادی در اسلام است. توجه به تفکر انتقادی از دیرباز مورد تأکید قرآن و سنت اسلامی نیز بوده است. در واقع شاید یکی از جریانهای فکری منظمی که در قرون وسطی پیدایش یافت و توانست بر مبنای نظامی عقلانی و سامانمند، روند رو به رشد خود را در جهان طی کند، اسلام بود. نتایج بررسی فرضیه سوم نشان داد که تولید معنای شخصی با اصول تعلیم و تربیت اسلامی رابطه معنا داری دارد. همان گونه که در صفحات

قبل اشاره شد، تولید معنای شخصی به توانایی خلق معنا و هدف شخصی در تمام تجربه‌های جسمانی و روانی شامل ظرفیت خلق و تسلط یافتن به مقصود زندگی اشاره دارد. از طرفی در عصر ارتباطات و پیشرفتهای شگرف برای کسب علم و دانش و رشد فکری و اجتماعی و معنوی و هرکاری، انسان به برنامه ریزی و تنظیم اوقات نیاز دارد. اسلام به عنوان کاملترین دین الهی، که برای بشریت آمده بر مسئله برنامه ریزی تأکید و پافشاری کرده است.

نتایج بررسی فرضیه چهارم نشان داد که بین آگاهی متعالی با اصول تعلیم و تربیت اسلامی رابطه معناداری هست. همان گونه که اشاره شد، خودآگاهی به شناخت و درک ابعاد برتر خود، دیگران و جهان مادی اشاره دارد. در این زمینه می‌توان اشاره کرد که خودشناسی و شناخت کمال و زیباییها و جذابیت‌های مقصد نهایی انسان، انگیزه استكمال را در او تقویت می‌کند. این نکته را می‌توان یکی از انگیزه‌های توصیه به خودشناسی از سوی کسانی دانست که خودشناسی کرده‌اند. ائمه معصومین علیهم‌السلام، که انسان و غایت وجودی او را می‌شناسد و نیز می‌داند هر فردی با شناخت خود و غایت هستی خود بیش از پیش خواستار سلوک به سوی کمال خواهد شد، انسانها را به خودشناسی ترغیب می‌کنند تا آنان را شیفته حرکت کمالی سازند. نتایج بررسی فرضیه پنجم نشان داد که تولید سطح هوشیاری با اصول تعلیم و تربیت اسلامی رابطه مثبت و معنی داری دارد. در این رابطه می‌توان اشاره کرد که در آیات قرآنی سخن از تذکر و رهایی از غفلت است. انسان با دارایی نهاد و نهان خویش باید آنچه را از آن غافل شده است به یاد آورد و به فعلیت در آورد. بنابراین به کارگیری اصول تعلیم و تربیت اسلامی نیز در راستای رشد این متغیر مهم خواهد بود. نتایج بررسی فرضیه ششم نشان داد که پیشرفت تحصیلی با کاربست اصول تعلیم و تربیت اسلامی رابطه مثبت و معنی داری دارد؛ اما با هوش معنوی رابطه معناداری ندارد. این نتیجه گویای این نکته مهم است که معلمان و جهتگیری آنها نسبت به دروس از عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی خواهد بود. معلم می‌تواند در کنار ارتباط سازنده با دانش آموزان و به کارگیری مهارتها و راهبردها و روشهای شناختی از طریق مدیریت و ساختارهای معمول کلاسی بر ادراک خویشتن دانش آموزان از کفایت و کنترل خود تأثیر بگذارد. حال با توجه به این وضعیت باید اشاره کرد که وقتی مربی در کلاس درس خود از اصول تعلیم و تربیت اسلامی (که به اهمیت و نقش آنها در متون قبل اشاره شد) استفاده می‌کند، قطعاً موجب پیشرفت تحصیلی متریبان خواهد شد؛ چرا که تمامی اصول بر مبنای اهداف از پیش تعیین شده معین شده است که در دین و اعتقادات متریبان ریشه دارد. از

طرفی در مورد نتیجه عدم رابطه دو متغیر پیشرفت تحصیلی و هوش معنوی می‌توان گفت که در این زمینه باید پژوهش‌های متعددی انجام گیرد تا بتوان به طور قطع نتیجه‌گیری کرد. با توجه به نتیجه این پژوهش و اهمیت و تأثیر هوش معنوی، استادان و معلمان باید این نکته را در نظر داشته باشند که تعلیم و تربیت در زندگی بشر مهمترین و اساسی ترین جنبه زندگی است به گونه‌ای که هرگونه انحراف در آن باعث انحراف در همه زندگی می‌شود. توانایی‌های انسان در زندگی بروز و ظهور پیدا می‌کند و انسانیت انسان تحقق می‌یابد. در اسلام به این موضوع مهم توجه بسیار، و قواعد مناسبی برای رشد انسان تعیین شده است. اصول تعلیم و تربیت، قواعد عمل برای رسیدن به هدفهای تربیتی به شمار می‌آید؛ بدین ترتیب استادان و معلمان باید اصول مورد نظر را در تمام مراحل تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، انتقال و هرگونه فعالیت علمی - کاربردی مربوط به حوزه خاص علمی مورد توجه قرار دهند و سعی کنند از آن عدول نکنند. در پایان باید به این نکته اشاره کرد که به دلیل اینکه در پژوهش‌های پیشین، موضوعی با عنوان این پژوهش (و حتی متغیرهای فرضیات) در پژوهش‌های داخل و خارج کشور انجام نشده بود، امکان مقایسه نتایج فرضیات این پژوهش با سایر نتایج میسر نبود.

منابع فارسی

- ایمانی راد، مرتضی؛ حقیق، رامش (۱۳۹۰). هوش معنوی و کسب و کار. ماهنامه تدبیر. س ۲۲. ش ۲۲۹: ۸۹ تا ۸۶.
- باقری، خسرو (۱۳۸۷). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: انتشارات مدرسه.
- توکلی زاده، جهانشیر؛ خدادادی، زهره (۱۳۸۹). بررسی سلامت روانی دانشجویان ورودی نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۸۸-۸۹ دانشگاه علوم پزشکی گناباد. افق دانش. س ۱۶. ش ۲: ۴۵ تا ۵۱.
- خدایپناهی، محمد کریم؛ خاکسار بلداجی، محمدعلی (۱۳۸۴). رابطه جهت‌گیری مذهبی و سازگاری روان‌شناختی. روان‌شناسی. دوره ۹. ش ۳: ۳۱۰ تا ۳۲۰.
- زارعی‌متین، حسن؛ خیراندیش، مهدی؛ جهانی، حوریه (۱۳۹۰). شناسایی و سنجش مؤلفه‌های هوش معنوی در محیط کار؛ مطالعه موردی در بیمارستان لبافی نژاد تهران. پژوهش‌های مدیریت عمومی، س ۴. ش ۱۲: ۹۴ - ۷۱.
- ساغرونی، سیما (۱۳۸۹). بهره‌های هوش معنوی برای فرد و سازمان. ماهنامه تدبیر. سال ۲۱. ش ۲۱۵: ۳۹ - ۳۵.
- شریعتمداری، علی (۱۳۸۶). اصول تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- شعاری نژاد، علی‌اکبر (۱۳۸۸). روان‌شناسی فرهنگ و تربیت: واقعیت‌های روان‌شناختی تربیت و فرهنگ

(فراموش شده). تهران: امیر کبیر.

شکوهی، غلامحسین (۱۳۸۵). *مبانی و اصول آموزش و پرورش*. تهران: به نشر.

عبداللهی، فردین؛ شریعتمداری، علی؛ نادری، عزت الله (۱۳۸۹). بررسی میزان آگاهی معلمان دوره ابتدایی از اصول تعلیم و تربیت به منظور ارائه الگوی مطلوب جهت ارتقای سطح آگاهی آنها از اصول تعلیم و تربیت در استان کردستان. *علوم تربیتی*. س سوم. ش ۹: ۱۰۷ - ۸۹.

فرامرزی، سالار (۱۳۸۸). بررسی رابطه هوش معنوی و هوش هیجانی دانشجویان. *مطالعات اسلام و روان شناسی*. ش ۵: ۲۴ - ۷.

فرهنگی، علی اکبر؛ فتاحی، مهدی؛ واثق، بهاره؛ نرگسیان، عباس (۱۳۸۸). هوش پیش‌بینی کننده رهبری تحول آفرین: بررسی روابط میان هوش معنوی، هوش عاطفی و رهبری تحول آفرین. *فصلنامه علوم مدیریت ایران*. س ۴. ش ۱۵: ۵۷ - ۳۱.

معلمی، صدیقه؛ رقیبی، مهوش؛ سالاری درگی، زهره (۱۳۸۹). مقایسه هوش معنوی و سلامت روان در افراد معتاد و غیر معتاد. *مجله علمی - پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد*. دوره ۱۸. ش ۳: ۲۴۲ - ۲۳۵.

منابع انگلیسی

- Crichton, J. C (2008), "A Qualitative Study Of Spiritual Intelligence In Organizational Leader", Alliant International University, San Francisco Bay, 161 pages.
- King, D.B. (2008) Rethinking claims of spiritual intelligence: A definition, model, & measure. **Unpublished master's thesis**. Trent University. Peterborough, Ontario, Canada
- McSherry, W. Draper, P. Kendrick, D. (2002), "The construct validity of a rating scale designed to assess spirituality and spiritual care", **International Journal of Nursing Studies**, 39 (7) , pp.723 734.
- Vaughan, F. (2002). What is spiritual intelligence?. **Journal of Humanistic Psychology**, 42 (2), pp.16-33.
- Zohar, D. Marshall, I. (2000). *SQ: Spiritual intelligence, the ultimate intelligence*. London: Bloomsbury. <http://www.Emotionalintelligenceleadership.com/tag/social-awareness/>

